

## رژیم آخوند زده ایران و اپوزیسیون در کدام مسیر و نقش روسها در بحث اتمی

**دنیا بیم آن دارد که جمهوری اسلامی در حین تغییر و تحولات سالهای پایانی شوروی سابق از این کشورها بطور رسمی یا غیر رسمی بمب اتم خریداری باشد!**

با به قدرت رسیدن جناح تندرو داخل رژیم اسلامی ایران و قبضه کردن قدرت سیاسی و نظامی، رئیس جمهور تازه بر سر کار آمده و مهره دست این و اوون، شروع به صدور انقلاب اسلامی به کشورهای همجوار و اسلامی کرده و پروژه اتمی کردن آنها را نیز در نظر دارد و خود را تنها کشور هدایت کننده اسلام میداند. مقابله با غرب و اسرائیل را خط مش خود قرار داده و معلوم نیست در این مسیر ایران را به کجا خواهد کشاند. دولت ایران از یکطرف قصد دارد که ملت را به بهانه رسیدن به تکنولوژی جدید اتمی و صنعتی فریب دهد و مخالفان را به بهانه دشمن صنعتی شدن و قدرتمند شدن ایران اعدام و یا زندانی کند. رژیم به این ترتیب هر گونه آزادی را از مردم سلب نموده است.

در هر دوره از انتخابات رژیم با آوردن افراد جدید و از پیش تعیین شده مردم را فریب داده و با شعارهای رنگارنگ و توخالی آنها را به بازی گرفته است و ایران را به چنین مرحله حساسی کشیده اند که ما آنرا مشاهده میکنیم. سردمداران رژیم که خود را ناجیان اسلام و همه ملت‌های اسلامی میدانند، با دیوانه بازیهایی که در پیش گرفته اند، ملت‌های زیادی را به خاک و خون میکشند، منطقه را به شعله آتش مبدل میکنند و بلایی بر سر ایران و ایرانی میاورند که جبران ویرانیهای جانی و اقتصادی و مالی و فرهنگی آن سالها و چه بسا دهه های متمادی به طول خواهد کشید.

اینک که کشورهای موسوم به 1+5 و آمریکا همه با هم و یکصدا طرح محاصره اقتصادی علیه ایران در شورای امنیت را قبول و امضاء کرده اند، نشانگر این است که از خطرهای بعدی دولت ایران برای جامعه جهانی وحشت کرده اند. از آنطرف همین کشورهای اروپایی سوئدجو و مصلحت جو بودند که سالها با این دولت رابطه اقتصادی و تجاری داشتند و از هر بلایی که این رژیم بر سر ملت ایرانی می‌آورد با خبر بودند و دم نمی زدند و طفره میرفتند. پس ملت‌های ایرانی لازم است که خیلی هوشیار باشند و با تمام قدرت به مقابله با دولت کنونی برخیزند تا مانع درگیری و بیخامنای و جنگی دیگر شوند.

اگر هر ایرانی با چیدن یک شاخه گل سرخ که بر روی مزار شهیدان رسته به میدانها و خیابانها بیایند و یک صدا و یک مرام به این دولت نه بگویند، باعث نجات خود و کشورشان میشوند و جوابی نیکو به شهیدان این مرز و بوم داده اند.

اما اپوزیسیون ایرانی اعم از چپ و راست و ملی و فدرالیست و غیره با علم به این وضعیت کنونی و به جای اینکه به فکر مبارزه ای قاطع و بی امان با این رژیم جنایتکار و ددمنش باشند و لااقل تاکتیکی هم که شده، به دور هم جمع شوند و به دور از اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی که دارند، چاره جویی و راه حلی مناسب و درخور برای سرنگونی بیاندیشند، رودرروی هم قرار گرفته و دشمن اصلی خود را فراموش کرده اند. برخی از این احزاب و سازمانها اینقدر به مسائل داخلی خود چسبیده اند که متعاقبا به انواع و اقسام دسته های

کوچک و افراد مستقل تبدیل شده اند. احزاب و سازمانهای مخالف رژیم با وجود اینکه همه سرنگونی خواه هستند، اما هیچکدام به آلترناتیوی جدی در مقابل رژیم بدل نشده اند و از آنطرف مردم هم سردرگم شده اند و نمیدانند بالاخره به کدام سو گام بردارند، آیا منتظر اپوزیسیون باشند و یا شورای امنیت و آمریکا و یا اینکه خود دست به کار شوند و اگر خود دست به کار شوند با کدام پشتوانه؟

آیا اپوزیسیون ایرانی اعم از چپ و راست، کشور عراق را نمیبینند که به چه بحران ناشایستی دچار شده است؟ آیا اگر صدام و اطرافیان دیوانه او نبودند و بهانه به دست آمریکا و متحدانش نمیدادند، وضع این ملت دردمند به این روزها میکشید که ما هر روز در عراق شاهد قتل و عام و ویرانی و دربه دری و نابودی آنها باشیم؟ این مثال زنده ایست که نباید اجازه داد ما ایرانیان به چنین سرنوشتی دچار شویم. ملتهای ایران بدانند که اگر سران رژیم به بهانه اتمی شدن ایران و حق داشتن این تکنولوژی ایران را درگیر جنگی دوباره بکنند، به سرنوشتی به مراتب بدتر از سرنوشت ملتهای عراق دچار میگردند و جبران آن طاقت فرساست و سالهای سال ایران را از این عقب ماندگی امروز هم که هست به عقبتر میبرد.

همه احزاب و سازمانهای چپ ایرانی باید این خطرات را بیشتر جدی بگیرند و به جای برجسته کردن زیاده از حد مسائل کارگری و فرعی، جدیت خود را برای آماده کردن همه طبقات اجتماعی و طیفهای گوناگون و خنثی کردن نقشه سران این رژیم بکار گیرند. در ایران کنونی نه کارگر و نه هیچ یک از احاد ملت ایران به غیر از خودیهای رژیم، هیچگونه حق و حقوقی ندارند و هر روز شاهد زندانی کردن رهبران آنها و آزادیخواهان و روزنامه نگاران و دانشجویان و فعالین حقوق بشر و غیره هستیم. نیروهای چپ موظفند که فرهنگ مبارزه و حق طلبی را تبلیغ و ترویج کنند و با استفاده از رسانه های خبری که در اختیار دارند، راه درست ساقط کردن این رژیم قرون وسطایی را پیموده و مردم را در صف سرنگونی بسیج کنند.

در اینجا لازم است اشاره ای به نقش دولت روسیه بکنیم که با تمام شدن دوران جنگ سرد و بعد از از همپاشیدن سیستم سرمایه داری دولتی در آن کشور و تبدیل شدن به چندین جمهوری، دچار رکود اقتصادی شدید شد. در آنزمان روسیه تصمیم گرفت که سلاحهای کهنه دوران طولانی جنگ سرد را از بین ببرد و خیلی از آن سلاحها را به آهن پاره تبدیل کردند و به دولتهای ترکیه و رومانی و بلغارستان و یا کشورهای عربی فروختند. اما ک.ب.گ.ب میخواست برخی از این سلاحها را از جمله زیردریاییها و هواپیماهای کهنه و بعضی از موشکها را به پول نقد تبدیل کند و دنبال خریدار میگشت.

از آنطرف، بعد از پایان جنگ ایران و عراق که هر دو کشور از بی نتیجه بودن جنگ خسته و موفق به شکست یکدیگر نشده بودند و رژیم جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به قدس که نتوانست از طریق کربلا به هدفش برسد، به دنبال چاره جویی و قدرت نظامی میگشت. در این گیر و دار روسیه نیز دنبال مشتری بود و چه دولتی بهتر از ایران همسایه. پول دارد، همسایه است، تحریم است، بنگاه صادراتی انقلاب باز کرده است و هر قیمتی را خواهد پرداخت!

روسها نیز با علم به این مشکلات و مختصات جمهوری اسلامی آخوندی، با آنها وارد مذاکرتهای جدی شدند. جمهوری اسلامی که عقده نظامیگری داشت و از کمبود اسلحه رنج میبرد با میل فراوان شروع به خرید ادوات کهنه و فرسوده نه تنها از روسیه بلکه از اکراین و روسیه سفید کرد و به این ترتیب ایران به انبار سلاحهای کهنه روسها و دیگران تبدیل

گشت. هواپیماهای توپولوف که بارها شاهد سقوط آنها بر فراز شهرهای ایران هستیم نمونه آنها هستند.

این در حالیست که دنیا بیم آن دارد که جمهوری اسلامی در حین تغییر و تحولات سالهای پایانی شوروی سابق از این کشورها بطور رسمی یا غیر رسمی بمب اتم خریده باشد! به این ترتیب ک.گ.ب موفق شد بودجه قابل توجهی را عاید دولت مذکور خود نماید و کشورش بعدها نیز با ادامه دادن پروژه اتمی کردن ایران و نیروگاههای اتمی در این کشور به سیاست خویش در این زمینه ادامه داد که امروز هم شاهد آنیم.

و اما رژیم آخوند زده ایران که هنوز هم به امید اینکه کشور منفعت طلب روسیه وی را از تحریم و جنگ و حمله نظامی و سقوط برهاند دل خود را خوش کرده است، باید بداند که متاسفانه یا خوشبختانه هنوز نمیداند که دل به چه رژیمی خوش کرده است. هنگامی که آمریکا و متحدانش میخواستند به عراق حمله کنند، این روسیه بود که مدام با حمله به عراق مخالفت میکرد و در این راه میلیاردها دلار سود و سرمایه و امتیاز نصیب کشورش شد و چه قراردادهای که با دولت قبلی عراق قبل از سرنگونی نیست؟ و چه امتیازها که بدست نیامد و دولت عراق به امید جلوگیری و وتوی روسیه دلش را تا آخرین دقایق حمله خوش کرده بود. مشهور است که زمانی که در سال 2003 به عراق برای سرنگونی حمله نظامی شد صدام به پریماکف همتای آنزمان خود در روسیه زنگ میزند و به وی بد و بیراه میگوید، پریماکف آنموقع هم صدام را به خویشنداری دعوت میکند و میگوید که ما جلو سقوط تو را میگیریم، نگران مباش و آرام بخواب، تا اینکه بغداد هم تصرف میشود و صدام به سوراخ گراز پناه میرد!

و اما روسیه همان بلا را دارد سر رژیم ایران میآورد، ابتدا وتو و ناز و عشو، بعد از آن قرارداد و داد و ستد در مورد نیروگاه اهواز و نفت و گاز و غیره، سپس امتیاز از طرفین درگیر، از جمله ورود به بازار تجارت جهانی، و حالا بهانه در مورد چگونگی اجرای تحریم. روسها فقط خودشان میدانند تاکنون چندهزار میلیارد دلار از این موضوع عایدشان شده و خاک تو سر سران آخوندی سوار بر خرخره مردم، که چه زیانها که به این مردم روا نداشته اند و عاقبتشان هم همان عاقبت صدام میباشد ولی اینبار در شکلی وسیعتر و مضحکتر و بچه گانه تر.

بلی سیاست در ایران به همین بچگانگیست، آخر از آخوند مکتب و عرفان خوانده و یا شاید هم نخوانده، چه انتظاری باید داشت؟ وقتی که بنیانگذارش اقتصاد را مال خر بداند و به حق هم به آن باور داشت، وقتی ملت‌های ایران در فقر و بدبختی زندگی میکنند و کارگران ماههاست که حقوق نگرفته اند، اما میلیاردها دلار به سپاه بدر و حماس و حزب الله و انصار الاسلام و غیره بدون بازخواست میدهند، شیعیان ظاهرا وابسته به خودشان را در هر نقطه از جهان که باشند از نظر مالی تامین میکنند، اسلامشان را با پول ملت و مالیات و نفت صادر میخوانند بکنند و کشوری چند ملیتی را با بیش از هفتاد میلیون جمعیت و از جمله 70% نیروی جوان به اسارت گرفته اند و بر سر خون آنها معامله و داد و ستد اسلامی میکنند، چه انتظار دیگری باید از اینها داشت، آخه اینها که دم از دفاع از ملت‌های ایران میزنند و میخواهند این ملت‌ها را به اتم مسلح کنند، به اندازه سر سوزنی راستی در کردار و گفتارشان نیست، آگه راست میگویند چرا چند هزار زندانی سیاسی در بند را ناجوانمردانه و در ظرف فقط چند روز در تابستان 67 قتل عام میکنند؟ و این تنها نمونه نیست!

جمهوری اسلامی صورت یک مسئله غلط و غیر قابل حل و بی جواب است، و بهترین راه حل و جواب علمی به چنین مسئله ای، حذف صورت مسئله است. بنابراین حذف جمهوری

اسلامی در ایران و این باید شعار اصلی، اساسی، غیرقابل تغییر و انکار ناپذیر هر ایرانی از هر قشر و طبقه و با هر مسلک و ایدئولوژی باشد که دلش برای کشورش میتپد.

به امید مبارزه بی امان تا سرنگونی نهائی این رژیم جانی، آزادی ستیز و دمکراسی ستیز!

ناصر - سوئیس

23.10.1385 - 13.01.2007